



ورود حضرت علي(ع) به شهر کوفه و انتخاب آن به مقر خلافت اسلامي سال 36 قمری.

امام علي(ع) پس از پیروزي غرورآفرین بر اصحاب جمل و پایان بخشیدن به فتنه بزرگ طلحه و زبیر و هواداران عثمان مقتول، پیروزمندانه وارد شهر بصره شد ...

امام علي(ع) پس از پیروزي غرورآفرین بر اصحاب جمل و پایان بخشیدن به فتنه بزرگ طلحه و زبیر و هواداران عثمان مقتول، پیروزمندانه وارد شهر بصره شد و جنگجویانی از اهالی بصره که بر ضد حکومت قانونی و اسلامي حضرت علي(ع) وارد جنگ شده و پس از شکست، زخمی، اسیر و متواری شده بودند، همگی را مورد عفو و بخشش کریمانه خویش قرار داد. اهالی بصره، پس از فتنه اصحاب جمل، با رغبت تمام با آن حضرت تجدید بیعت کرده و از همکاری برخی از مردم این شهر با غوغا سالاران جمل اظهار شرمندگی و پشیمانی نمودند.

به هر روی، آن حضرت پس از چند روز توقف در بصره و تقسیم بیت المال در میان مردم و مداوای زخمیان جنگ، عبدالله بن عباس را به حکومت این شهر منصوب و برای بار دیگر در جمع مردم بصره، خطبه ای خواند و آنان را به پیروی از دستورات عبدالله بن عباس و قوانین حکومت اسلامي فراخواند. آن گاه این شهر بزرگ را ترك و به سوی کوفه حرکت کرد.

بزرگان، ریش سفیدان و رؤسای قبایل و طوایف بصره، آن حضرت را تا چند میلی بیرون بصره، بدرقه کردند و آن حضرت با آنان خداحافظی و به همراه بسیاری از سپاهیان خویش به سمت کوفه حرکت نمود.

ورود امام علي(ع) به کوفه، مصادف بود با دوازدهم رجب سال 36 قمری. اهالی کوفه استقبال شایانی از آن حضرت به عمل آوردند و از وی درخواست کردند که در کاخ حکومتی این شهر فرود آید. ولی آن حضرت از رفتن به کاخ حکومتی امتناع نمود و فرمود: به جای کاخ در فضای باز فرود خواهم آمد.

آن گاه به مسجد اعظم کوفه رفت و دو رکعت نماز به جای آورد3 و برای اهالی کوفه، که برای زیارت آن حضرت و شنیدن صدای روح نواز وی لحظه شماری می کردند، خطبه ای ایراد نمود.

آن حضرت پس از حمد و ثنای الهی، در فرازی از سخنانش فرمود: اما بعد، فالحمد لله الذي نصر وليه، و خذل عدوه، و اعز الصادق المحق، و أذل الكاذب المبطل، عليكم يا أهل هذا المصر بتقوي الله و طاعه من اطاع الله من أهل بيت نبيكم، الذين هم اولي بطاعتكم من المنتحلين المدعين القائلين: الينا الينا، يتفضلون بفضلنا، و يجاحدون أمرنا، و ينازعونا حقنا، و يدفعونا عنه، و قد ذاقوا و بال ما اجترحوا فسوف يلقون غيا. قد قعد عن نصرتي منكم رجال و أنا عليهم عاتب زار، فاهجروهم، و اسمعوهم ما يكرهون، حتي يعتبونا و نري منهم ما نحب.

یعنی: سپاس خدا را که دوست خود را یاری کرد و دشمنش را خوار نمود و راستگویی حقیقت خواه را آبرو داد و دروغ گوی مفسده جو را زبون نمود. ای مردمی که در این شهر [کوفه] زندگی می کنید! بر شما باد تقوای الهی و پیروی کسی از اهل بیت پیامبران که خدا را پیروی می کند. همان هایی که از سایر مدعیان باطل گو، به اطاعت و فرمانبرداری شایسته ترند. آن مدعیانی که همواره مردم را به سوی خود می خوانند و بر اثر فضیلتی که از ما به دست آورده اند، اظهار برتری می کنند و امر ما [ولایت و امامت] را انکار می نمایند و حق ما را از بین می برند و ما را از استفاده حق خودمان منع می کنند. آری، آنان آب تلخ بدرفتاری و بدرکداری خویش را چشیدند و به زودی هم به بدفرجامی خود می رسند.

عده ای از میان شما نیز، از کمك و یاری ما دست برداشته [و از این طریق، دشمنانمان را تقویت نمودند] و مرا از کردار خویش ناراحت و نگران نمودند. اینك شما نیز از آنان دوری کنید و با گفتارتان، آنان را از کرده خویش شرمند کنید، تا از کردار ناروای خود شرمگین شده و به ما روی آورند و آن چه از آنان انتظار داشتیم برآورده کنند.

بدین ترتیب آن حضرت دوستداران و یاران خویش و توده های میلیونی مسلمانان کوفه را مورد عنایت و کارشکنان و واپس گرایان را سرزنش و توبیخ نمود و از آن پس، این شهر بزرگ را مقر حکومت عدالت جویانه خویش قرار داد.